

ضرورت‌ها و راه‌کارهای ترجمه متون تاریخی عثمانی به فارسی

رضا دهقانی*

چکیده

از ابتدای روی کار آمدن دولت‌های صفوی و عثمانی زبان و ادبیات شاخصه‌ای ممتاز در روابط فرهنگی ایران و عثمانی به‌شمار می‌آمد. زبان ترکی عثمانی با بهره‌گیری فراوان از واژه‌های فارسی و عربی در زمره زبان‌های اسلامی است و تا پایان حیات دولت عثمانی زبان رسمی این امپراتوری بود. مورخان عثمانی به اقتضای هم‌جواری، زبان مشترک، و تحولات فی‌مابین دولت‌های ایران و عثمانی در آثار خود به مسائل و رخداد‌های ایران به اجمال یا تفصیل پرداخته‌اند که این‌گونه آثار از نظر تاریخ‌نگاری ایران درخور توجه و تأمل است. در دوره قاجار به‌ویژه در دوره ناصرالدین شاه برخی از این آثار به فارسی برگردانده شد. با این حال سنت ترجمه آثار تاریخی عثمانی در ادوار بعد ادامه نیافت و مغفول ماند. نظر به چنین زمینه‌ای و این‌که اساساً مبحث عثمانی‌پژوهی، با وجود اهمیت وافر آن در ایران، از ادبیات غنی‌ای بهره ندارد و مبحثی نوپا به‌شمار می‌آید، ضرورت دارد آثار برگزیده و منابع اصلی و معتبر تاریخ‌نگاری عثمانی و بالخصوص تاریخ‌نگاری روابط ایران و عثمانی شناسایی و به زبان فارسی ترجمه شود تا منابع لازم برای پژوهش‌های عمیق و دوسویه فراهم آید.

با توجه به چنین ضرورتی نوشتار حاضر بر آن است تا با نگاهی به علل و پیشینه ترجمه متون تاریخی از عثمانی به فارسی در دو سده اخیر، آثار و منابع

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز rdeghani@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۶

۲ ضرورت‌ها و راه‌کارهای ترجمه متون تاریخی عثمانی به فارسی

برگزیده را برای ترجمه به‌اجمال معرفی کند و در پایان پیشنهادها و راه‌کارهایی برای وصول به این مقصود ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: منابع تاریخی عثمانی، ترجمه، پیشینه، راه‌کار.

مقدمه

اگر از دیدگاه زبان‌شناسی به ترجمه بنگرند، شاید بتوان آن را صرفاً فن انتقال مفاهیم و معنا از زبانی به زبان دیگر دانست، اما اگر از دیدگاه علمی - تمدنی به ترجمه نظر افکنند، درحقیقت ترجمه می‌تواند مبدأ دانش‌افزایی و تحرک علمی باشد. پس در این‌جا ترجمه نه فن بلکه واسطه و حامل بار فرهنگی - تمدنی از زبان مبدأ به زبان مقصد است. مثال بارز چنین حرکتی نهضت ترجمه در جهان اسلام است که زمینه‌ساز شکوفایی و درخشش تمدن اسلامی در جهان آن‌روز شد. در دوره ایلخانان هم ترجمه از متون چینی و مغولی به فارسی باعث بالندگی در علوم، بالاخص علم تاریخ‌نگاری، شد و آثار گران‌سنگی مانند تاریخ جهانگشا و جامع‌التواریخ را پدید آورد. پس ترجمه در مقاطعی می‌تواند نقشی تمدن‌ساز و دانش‌افزا داشته باشد.

درخصوص ترجمه آثار ترکی عثمانی به فارسی در دو سده اخیر که موضوع نوشتار حاضر است، گفتنی است، با آن‌که عثمانی در قرون نخستین حیاتش از لحاظ دستاوردهای فرهنگی، به‌ویژه هنر و معماری و ادبیات، وام‌دار فرهنگ ایرانی بود و ترجمه عمدتاً از فارسی به ترکی عثمانی بود، از قرن هجدهم به بعد در نتیجه قرابت جغرافیایی با غرب و درگیر شدن در سیاست‌های دول غربی و دیگر عوامل زودتر از ایرانیان با دستاوردهای تمدن غرب آشنا شد و به منزل‌گاه انتقال مظاهر تمدن غرب به ایران تبدیل شد، که بخش مهمی از این انتقال از طریق ترجمه، البته این‌بار از ترکی عثمانی به فارسی، حاصل شد.

براین‌اساس هدف مقاله حاضر بررسی پیشینه، اهمیت، و ضرورت ترجمه منابع خارجی در نگرشی کلی و خاصه منابع ترکی عثمانی برای بهره‌گیری در تحقیقات تاریخی، به‌ویژه روابط خارجی ایران و عثمانی، است و به‌تبع آن پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

۱. ضرورت و اهمیت ترجمه منابع ترکی عثمانی برای تاریخ ایران به‌ویژه تاریخ روابط خارجی ایران و عثمانی در چیست؟
۲. چه عواملی باعث اقبال و رونق ترجمه آثار ترکی عثمانی به فارسی در دوره قاجار شد؟
۳. چرا جریان ترجمه آثار عثمانی بعد از برافتادن قاجاریه در ایران رو به افول نهاد؟

۴. از چه راه‌هایی می‌توان بار دیگر فرایند ترجمه آثار ترکی و در نتیجه مقوله مطالعات عثمانی را در ایران احیا و پربار کرد؟

در ضمن بحث و بررسی کوشش می‌شود با طرح فرضیه‌های مناسب و راه‌گشا به سؤالات یادشده پاسخ‌هایی درخور و مناسب داده شود. شایان ذکر است روش تحقیق در این پژوهش روش تحلیلی به همراه ارائه راه‌کار به‌منزله نتایج تحقیق است.

اهمیت منابع خارجی در پژوهش‌های تاریخی

در معرفت‌شناسی علوم معرفت تاریخی را معرفتی غیرمستقیم و تجدیدناپذیر می‌دانند که موضوع آن، یعنی گذشته، اکنون گزاره‌ای مفقود است؛ در نتیجه شناخت آن نیازمند تأیید شواهد است که این خود حاکی از خاص بودن معرفت تاریخی است (مکالا، ۱۳۸۷: ۲۸). بنابراین پل ارتباطی حال با گذشته شواهد تاریخی است. شواهدی که کمک می‌کند تا مورخ هرچه بیش‌تر و بهتر گذشته را بشناسد و به امر واقع، که مطلوب مورخ است، نزدیک‌تر شود یا به تعبیری دیگر به آزادسازی تاریخ از گذشته (احراز حداکثری حقایق تاریخی) بپردازد، چراکه آگاهی از گذشته منوط به حضور و حجم کلماتی است که از بازنمایی شواهد تاریخی نشئت می‌گیرد. پس اگر ماده تاریخ رخداد به‌معنای عام باشد (ازجمله رخدادهای فکری) یگانه طریق وصول به این رخداد شاهد است، یا به تعبیر اهل تاریخ، منبعی تاریخی است (استنفورد، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

بخشی از اهمیت منبع تاریخی در محدودیت ذاتی آن در مقایسه با مجهولات وسیع تاریخی است، زیرا منبع تاریخی نمی‌تواند تمام گذشته را بازنمایی کند و محدودیت مشاهده دارد. دیگر این‌که معرفتی غیرمستقیم در اختیار قرار می‌دهد، معرفتی که با بافت اجتماعی - تاریخی و زمینه و خاستگاه فکری گزارش‌گر تاریخی گره خورده است و می‌توان گفت تا حدودی معرفتی پردازش‌شده است. چنین ویژگی‌هایی است که اهمیت شناخت، نقد، و بهره‌گیری از منابع متکثر تاریخی، به‌ویژه منابع غیرارادی، مانند اسناد تاریخی را برای هر پژوهش‌گر تاریخ مسجل می‌کند. تأثیر منبع تاریخی در روش‌شناسی پژوهش تاریخ تا حدی است که اکثر اوقات این منابع، به‌ویژه منابع تازه‌یاب، موضوع تحقیق را برای پژوهش‌گر تاریخ اقتراح می‌کنند یا مبین الگوهای پژوهشی می‌شوند.

امروزه جامعه علمی تاریخ مستند سخن گفتن و نوشتن و بریدن از عوالم جانب‌دارانه و خیال‌پردازانه را ضرورتی مسلم برای پژوهش‌گر تاریخ می‌داند. پژوهش‌گر تاریخ با آگاهی

از چنین ضرورتی و برای پربارکردن و مستندکردن تحقیق خود از هیچ منبع و نسخه و حتی یک برگ سند، چه به زبان خود و چه به زبان‌های دیگر، غفلت نمی‌کند؛ چراکه پژوهش حقیقی چنین اقتضایی دارد.

با عنایت به این مطالب گفتنی است که مقوله پژوهش روابط خارجی در ایران دو ضعف عمده و مفرط دارد: نخست فقر روش‌شناسی و دیگری قلت استفاده از منابع خارجی. موضوع نخست خارج از بحث این نوشتار است و خود بحثی مفصل و وافی به مقصود می‌طلبد. اما درباب موضوع دوم به اختصار مطالبی عرضه می‌شود:

۱. آگاهی تاریخی ارتباط مستقیمی با یافته‌های تاریخی یا منابع اطلاعاتی دارد، به هر میزان یافته‌ها متنوع و متکثر باشند، به همان اندازه می‌توان امیدوار بود که بتوان حقایق تاریخی بیش‌تری را احراز و آن‌ها را تبیین کرد. با مقایسه‌ای میان دوره صفویه و دوره نادری، از حیث کثرت و قلت منابع، بهتر می‌توان به بینش تاریخی حاصل از هر دو دوره پی برد.

۲. گذشته از قالب روش‌شناسانه تحقیق، هر پژوهش تاریخی از دو عنصر داده تاریخی (historical data) و اندیشه یا تخیل (imagination) نویسنده سرچشمه می‌گیرد که برآمده از الگوها و پسندهای سیاسی-اجتماعی عصر اوست. به هر میزان که بر حجم داده‌های تاریخی افزوده شود، دامنه تخیل کوتاه‌تر می‌شود و تفسیر مستند بر تفسیر به رأی غلبه می‌یابد و این حاصل نمی‌شود مگر با رجوع به منابع تازه‌یاب و تجسس برای تکثیر منابع تاریخ‌نگاری.

۳. نداشتن تسلط کافی به زبان‌های خارجی نزد پژوهش‌گران ایرانی خود مانعی بزرگ بر سر راه بهره‌گیری از منابع خارجی است. این در حالی است که آگاهی از زبان یا زبان‌های حوزه تخصص پژوهش‌گر ضرورتی اساسی و اجتناب‌ناپذیر است.

۴. آگاهی و شناخت منابع خارجی در بیش‌تر مواقع دانش تاریخی را افزون می‌کند و افق‌های جدیدی را به روی محقق می‌گشاید. مصداق این سخن آن‌گاه آشکارتر می‌شود که اطلاعات منابع داخلی درخصوص رخداد یا مسئله‌ای تاریخی اندک و نارساست، در این صورت است که بهره‌گیری از منابع خارجی می‌تواند بر زوایای تاریک و پنهان وقایع تاریخی پرتو آگاهی بیفکند. مثلاً در تاریخ معاصر ایران واقعه تحصن مشروطه‌خواهان در سفارت عثمانی بسیار مجمل و کلی آمده است، در صورتی که این واقعه را می‌توان در گزارش‌های کنسولی سفارت عثمانی مشاهده کرد.

۵. سنجش و مطالعه منابع داخلی و خارجی ضمن این‌که پژوهش‌گر را با ظرایف و روش‌های تاریخ‌نگاری منابع خارجی آگاه می‌کند، باعث می‌شود که پژوهش‌گر در دام

تعصب و یک‌سونگری نیفتد و درخصوص مسائل تاریخی با رویکردی فراگیر به منابع، اعم از داخلی و خارجی، منصفانه و بی‌طرفانه به قضاوت بنشیند.

علل تاریخی ترجمه متون ترکی عثمانی به فارسی

استقرار ترکان در آناتولی و برکشیده شدن دولت عثمانی، به مثابه امپراتوری، و نقشی که فرهنگ ایرانی در ساخت و پرداخت تمدن این امپراتوری داشت مؤید روابط دیرینه و گسترده ایران و عثمانی است و می‌توان تابش فرهنگی ایران را بر اجزای گوناگون امپراتوری عثمانی، به‌ویژه در ادوار متقدم آن، به‌خوبی مشاهده کرد. از آن‌جا که عثمانی‌ها در قرون نخستین حکم‌فرمایی خود به مشرق‌زمین چشم دوخته بودند و عناصری از هنر، ادبیات، معماری، دین، و حتی عرفان ایرانی را اخذ و اقتباس کردند، طبیعتاً روند ترجمه آثار از فارسی به ترکی بود.

در این دوران مجموعه دیوان‌های شعرای بزرگ ایران‌زمین مانند خیام، حافظ، سعدی، و شاهنامه فردوسی به ترکی ترجمه شد. صبغه ترجمه در این دوران عمدتاً ادبی و تاحدودی متون دینی است، اما در قرون هجدهم و نوزدهم در پی تماس‌های نزدیک‌تر امپراتوری عثمانی با دستاوردهای تمدن غرب، در مقایسه با ایران، و نوسازی نهادهای امپراتوری این دولت عثمانی بود که این‌بار واسطه انتقال دستاوردهای تجدد و اندیشه‌های غربی به ایران شد و این‌گونه جریان ترجمه در جهت عکس از ترکی عثمانی به فارسی قوت گرفت. در نتیجه کتاب‌های متنوعی در حوزه علوم طبیعی، فیزیک، زمین‌شناسی و به میزانی بیش‌تر علوم مهندسی و نظامی و البته به مقیاسی کم‌تر ادبیات و تاریخ از ترکی به فارسی ترجمه شد.

در این جا به‌اختصار علل ترجمه متون عثمانی به فارسی، به‌ویژه متون تاریخی، در قالب مؤلفه‌های زیر بیان می‌شود:

۱. در تاریخ جهان اسلام امپراتوری عثمانی پس از خلافت عباسی بزرگ‌ترین دولت اسلامی به‌شمار می‌آمد که بخش وسیع سرزمین‌ها و ممالک اسلامی را دربر می‌گرفت و با برخورداری از چنین امکانی طبیعی بود که الگو و الهام‌بخش جهان اسلام باشد؛ کما این‌که در جریان اصلاحات و تجددگرایی بسیاری از متجددان و متفکران جهان اسلام دستاوردها و تجارب دولت عثمانی را اخذ و اقتباس کردند و در کشورهای خود به‌کار بستند. این دستاوردهای فکری عمدتاً از طریق ترجمه جراید و کتب ترکی صورت می‌گرفت.

اندیشمندان و متجددان ایرانی هم ترجیح می‌دادند که الگوها و انگاره‌های غربی را عمدتاً از مجرای دولتی اسلامی (عثمانی) پذیرا شوند که پیش‌تر آن‌ها را آزموده و تاحدودی با فرهنگ و اصول اسلامی سازگار و منطبق ساخته بودند.

۲. اقامت جمع‌کثیری از روشن‌فکران و بازرگانان ایرانی در عثمانی، به‌ویژه در استانبول، در قرن نوزدهم باعث شده بود تا استانبول، از مهم‌ترین منازل تجدد ایران در امتداد کاروان تجدد غرب، واسطه ارتباط ایران با دنیای غرب شود. استانبول به علل گوناگون محل مناسبی برای ایرانیان بود: نخست آن‌که دارالاسلام و مرکز خلافت بود و زندگی در آن‌جا از زندگی در سرزمین غیرمسلمانان راحت‌تر و پسندیده‌تر بود، مضاف بر آن اشتراکات دینی، فرهنگی، و زبانی خود عواملی تأثیرگذار در جذب ایرانیان به این دیار شده بودند. روشن‌فکران ایرانی در این شهر با دنیای غرب تماس مستقیم داشتند و با مشاهده دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های دنیای مدرن بیش از پیش متوجه عقب‌ماندگی ایران می‌شدند و به روش‌های تغییر و اصلاح جامعه روی می‌آوردند (عابدی، ۱۳۷۷: ۴۳). تأثیر ترجمه‌های ترکی به فارسی عبدالرزاق بیگ دنبلی از آثار مولیر به ترجمه احمد و فیک و هم‌چنین ترجمه رمان‌های تریال دو پونسون (T. du Ponson) و عبرت‌نامه کروسینسکی (J. T. Krusinski)، کشیش لهستانی، و چند اثر دیگر از جمله عواملی بود که باعث شد برخی در ایران به فن ترجمه روی آورند (بهار، ۱۳۴۹: ۱۲/۴۰).

۳. زبان کتب و جراید، یعنی زبان ترکی عثمانی، خود عامل مهمی در سهولت ترجمه به حساب می‌آمد. زبان ترکی عثمانی زبان رسمی امپراتوری عثمانی بود و در زمره زبان‌های اسلامی قرار داشت. این زبان در طی حیات دولت عثمانی هم از نظر نحو و هم از نظر واژه‌ها و اصطلاحات شدیداً تحت تأثیر زبان عربی و فارسی بود، به‌طوری‌که بیش از نیمی از واژه‌های آن از زبان فارسی و عربی مشتق شده بود. مهاجران ایرانی مقیم عثمانی که اغلب از مناطق آذربایجان و آشنا به این زبان بودند مانند محمدعلی تربیت یا تقی‌زاده مشکلی در مرادده با اندیشمندان و مردم عثمانی نداشتند؛ اشخاص دیگری مانند دهخدا هم به سبب اقامت نسبتاً طولانی در استانبول با این زبان آشنا شدند و آن را فراگرفتند. این آشنایی زمینه ترجمه آثار را به زبان فارسی فراهم می‌کرد (ریاحی، ۱۳۶۹: ۷۶).

۴. ثبات پایتخت عثمانی به مدت چند قرن در مقابل تغییر مداوم پایتخت‌ها در ایران خود عامل مهمی بود که به تمرکز و ماندگاری کتب و اسناد دولتی کمک کرد. مضاف بر این‌که دولت عثمانی از نظام ضبط و ثبت دقیق و کارآمدی برخوردار بود (Özkan, 2003: 321).

به نحوی که امروزه کتاب‌خانه‌ها و آرشیوهای عثمانی گنجینه‌ای از غنی‌ترین منابع در جهان اسلام به حساب می‌آیند. در دوره قاجاریه، بالاخص عصر مشروطه، اندیشه‌ورزان ممالک اسلامی به این مسئله واقف بودند و از این میراث وزین معنوی به فراخور بضاعت و علاقه علمی خود توشه برمی‌گرفتند، به گونه‌ای که استانبول را پایتخت فرهنگی و علمی جهان اسلام می‌دانستند. میرزا حبیب‌دستان، حسین دانش اصفهانی، و محمدعلی تربیت از جمله ادیبان و فرهیختگان ایرانی بودند که سال‌ها در کتاب‌خانه‌ها و آرشیوهای عثمانی به تحقیق مشغول بودند (رئیس‌نیا، ۱۳۸۲: ۵۸۶/۱).

تاریخچه ترجمه از ترکی عثمانی به فارسی

ترجمه متون تاریخی به فارسی اساساً از دوره قاجار آغاز شد و بخش عمده آن مرهون کوشش‌ها و پی‌گیری‌های محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، وزیر انطباعات و رئیس دارالترجمه ناصری، است. اعتمادالسلطنه، در دنیای دانش و ادب، فکری مترقی و روشن داشت؛ آثاری که خود تألیف یا ترجمه کرد یا دیگران را بدان ترغیب کرد خواه‌ناخواه تحولی علمی در دوره خود بود، اما گفته‌اند که بسیاری از کتاب‌هایی که به نام او شناخته شده اثر دیگران، به‌خصوص اعضای دارالتألیف و دارالترجمه، است. قزوینی می‌گوید: «کارهایی که به نام او شهرت دارد، بیش‌تر موضوع آن‌ها را وی معین کرده است و چون دیگران تألیف آن را به انجام می‌رساندند به نام خودش منتشر می‌کرد» (قزوینی، ۱۳۲۷: ۵۸). ادوارد براون نیز به تبع قزوینی به این نکته اشاره کرده است، محیط طباطبایی هم او را بزرگ‌ترین استعمارگر علما و فضلاء عصر خویش می‌شمارد (آرین‌پور، ۱۳۵۵: ۲۶۶). به‌رحال افتخار فراهم‌آوردن این همه کتاب متنوع نصیب او شده است ولو آن‌که همه را خود پدید نیاورده باشد.

در شمار آثار تألیفی، ترجمه‌ای، یا منتسب به اعتمادالسلطنه فقط کتاب *خیرات حسان* در حسب حال نسوان اسلامی است که از ترکی عثمانی به فارسی ترجمه شده است و موضوع آن زندگی‌نامه زنان اسلام و نمونه اشعار زنان شاعر مسلمان است. اعتمادالسلطنه این کتاب را از اثری ترکی به نام *مشاهیرالنسوان* نوشته محمد ذهنی افندی تألیف و ترجمه کرده و آن را در ۳ جلد در فاصله سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۰۷ ق به چاپ رسانیده است. استقبال جامعه کتاب‌خوان آن‌روز از این کتاب سبب شد که اعتمادالسلطنه طی سال‌های ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ق آن را تجدید چاپ کند (مشار، ۱۳۵۰: ۱۹۶۷/۲). اعتمادالسلطنه فقط این کتاب را از ترکی به

فارسی برگردانده، اما مترجمان و فضایی که در انجمن دارالتألیف و دارالترجمه گرد آورده بود بنا به سفارش او کتاب‌های بسیاری تألیف یا از زبان‌های دیگر ترجمه کردند. از این مترجمان مبرز و پرکار، که زیر نظر اعتمادالسلطنه آثار زیادی از ترکی به فارسی ترجمه کرده‌اند، محمد عارف خان معروف به اسپناچی پاشا زاده است. اعتمادالسلطنه در ضمن اشاره به مترجمان دربار از عارف خان با این تعبیر یاد کرده است: «عارف خان منشی و مترجم ترکی» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ ۴۰۹). بنابراین، او در دارالترجمه رسمی دولتی شغل مترجمی داشته است و در این سمت آثار فراوانی از ترکی به فارسی ترجمه کرده است. شاید از مهم‌ترین این آثار *انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام* است که در هیئت تألیف و ترجمه آن را تدوین و منتشر ساخته است. موضوع کتاب تاریخچه روی کار آمدن دولت صفوی و شرح زندگانی و نبردهای شاه اسماعیل صفوی و سلطان سلیم عثمانی است که مؤلف آن را به ناصرالدین شاه تقدیم کرده است. از میان آثار پرشمار عارف خان فقط این کتاب و کتابی دیگر با نام *جغرافیای عالم اسلام* تاکنون منتشر شده است (اسپناچی پاشا زاده، ۱۳۷۹: ۱۱). جز این کتاب آثار متعدد دیگری از عارف خان در دسترس است که در کتاب‌خانه‌های گوناگون ایران و ترکیه نگهداری می‌شود که البته رقم دقیق آن‌ها چندان مشخص نیست. آن‌چه نگارنده توانسته از آثار عارف خان در کتاب‌خانه‌های ایران و ترکیه احصا کند از این قرار است:

۱. *اطلاعات فنییه*، درباره بغداد، ترجمه از ترکی به فارسی این کتاب را محمدحسن خان اعتمادالسلطنه به ناصرالدین شاه پیشکش کرده است (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس، ۱۳۷۸: ۱۰/ ۱۶۱۰).

۲. *تاریخ قره‌چیان* از احمد مدحت افندی، ترجمه از ترکی به فارسی از محمد عارف منشی در احوال کولیان خانه‌به‌دوش در هفت مبحث و مقدمه به قلم مترجم (همان: ۱۰/ ۳۵۶).

۳. *جغرافیای خارطوم و سودان* از احمد مدحت افندی، ترجمه از ترکی به فارسی از محمد عارف منشی (مقصود، ۱۳۴۹: ۳۵۲).

۴. *جغرافیای عالم اسلام*، عارف خان این اثر را به ناصرالدین شاه تقدیم کرده است. در این کتاب به تفصیل حدود ممالک عالم اسلامی آمده و نیز شهرها و عوارض زمین از قبیل کوه و دشت و دریاچه‌های ممالک اسلامی شرح داده شده است. ضمناً در آن از عقاید و سنن مردم مسلمان این نواحی ذکری رفته و از تمدن قدیم این مردم شرحی مفصل آمده است. نیز در آن گه‌گاهی به اسامی اسلامی، خط، و گویش‌های مردمان اشاره‌هایی می‌شود (اسپناچی پاشا زاده، ۱۳۶۹: ۳).

۵. *سفرنامه ایران*، ترجمه مطالبی است با عنوان *وضع حالیه ولایات حلب و بغداد و ایران و ترکستان* (مقصود، ۱۳۴۹: ۳۵۲).
۶. تاریخ کاشغر از محمد عاطف بیگ از مستوفیان توپخانه عثمانی، این کتاب در سال ۱۳۰۴ ق در ۳ جلد از ترکی به فارسی ترجمه شده است (همان: ۳۵۳).
۷. *مرفقات الزمان فی احوال سلاطین آل عثمان*، ظاهراً این کتاب را عارف خان در ۲ جلد تألیف و ترجمه کرده است که جلد اول آن عصر متقدم تاریخ عثمانی تا زمان سلیم دوم را دربر می‌گیرد.
۸. *لایحه در مناسبات تجاری ایران با ممالک خارجه در باب اقتصاد و سیاست*، ترجمه از ترکی به فارسی به خط نسخ.
۹. *قتل خوارج کوه لبنان به دست سلطان سلیم عثمانی*، ترجمه محمد عارف خان از ترکی به فارسی به خط تحریری به اقتراح اعتماد السلطنه.
۱۰. *قانون‌نامه قوه حریبه*، ترجمه از ترکی به فارسی به خط نسخ.
۱۱. *فرمان گلخانه از سلطان عثمانی*، ترجمه از ترکی به فارسی به خط نسخ.
۱۲. *انتقاد و قانون‌نامه انحصار دخانیات ممالک عثمانیه*، ترجمه از ترکی به فارسی خط نسخ.
۱۳. *امتیازنامه راه آهن، امتیازنامه و قانون‌نامه بانک عثمانی*، ترجمه از ترکی به فارسی به خط نسخ و نستعلیق.
- گذشته از عارف خان، چهره شاخص و مبرز این دوره عبدالرزاق بیگ فرزند نجفقلی دنبلی مورخ، شاعر، مفسر، و مترجم نام‌دار است که در ۱۱۸۵ ق در خوی به دنیا آمد. تبار دنبلی‌ها به کردان یزیدی شامات می‌رسد. آثار عبدالرزاق بیگ الگوی ساده‌نویسی به‌همراه نثری استوار و متین است و برای مورخان بعد از خودش، که از مغلغولی‌نویسی محمدتقی ساروی نویسنده تاریخ *محمای* احتراز می‌جستند، سرمشق بود. عبدالرزاق بیگ نویسنده و مترجمی پرکار بود و ۱۶ کتاب تألیف و ترجمه کرد. مهم‌ترین ترجمه او یادداشت‌های کروسینسکی درباره وقایع سقوط اصفهان به‌دست محمود افغان است که با عنوان *عبرت‌نامه* از ترکی به فارسی ترجمه کرده است (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۳). این ترجمه به‌سبب روانی و استواری کلام از بهترین متن‌های ترجمه‌شده در دوره قاجار به‌حساب می‌آید (ریاحی، ۱۳۶۹: ۱۰۸).
- از دیگر مترجمان آثار ترکی کتب تاریخی میرزا محمودخان افشار است، اثر او *تاریخ سلاطین عثمانی* نام دارد که در سال ۱۳۰۲ ق ترجمه آن به پایان رسیده است. به‌نظر می‌رسد

یگانه نسخه دست‌نویس کتاب متعلق به خود مترجم باشد. این کتاب ترجمه‌ای از بخش‌های ۷ تا ۱۱ کتاب خیرالله افندی با عنوان *دولت علیه و سلطنت سنیة عثمانیة تاریخی* است. بخش‌های پراکنده‌ای از کتاب خیرالله افندی را مترجم دیگری به نام محمدحسین خوبی ترجمه کرده است که شامل دفتر ۱ و ۲ از جلد اول کتاب است.

احسن‌التواریخ کتابی است درباره تاریخ عثمانی از محمد فرید بیگ که علی بن عبدالباقی مستوفی اصفهانی از ترکی به فارسی ترجمه کرده است و در مطبوعه برادران باقرزاده در سال ۱۳۳۲ق/۱۲۹۲ش در ۵۱۳ صفحه چاپ سربی شده است.

افزون بر آثاری که ذکر شد برخی از کتابچه‌ها و رسالات بعضاً بی‌نام‌ونشان در مجموعه‌های خطی و کتابخانه‌های گوناگون نگهداری می‌شوند که از ترکی به فارسی ترجمه شده‌اند. بعضی از این کتابچه‌ها با مضمون تاریخی یا صبغه تاریخی از این قرار است: *منشآت در تاریخچه اوضاع دربار عثمانی و پریشانی ینچری‌ها* ترجمه محمدکاظم، *تاریخ جنگ روس و عثمانی* به استنساخ از عبدالکریم بن میرزا محمدعلی گیلانی، *سلطان‌نامه در تاریخ جنگ روم و روس* که ترجمه از ترکی به فارسی آن در سال ۱۳۰۴ق در بمبئی به صورت چاپ سنگی درآمده است.

آثاری که اشاره شد نسخه خطی و بعضاً سنگی مضبوط در کتابخانه‌هاست که همت محققان و مصححان را می‌طلبد تا گرد ایام از چهره آن‌ها بردایند و با گزینش و تصحیح انتقادی آن‌ها بازار پژوهش را پررونق کنند.

گذشته از نسخ خطی آثار چاپی چندی در حوزه‌های گوناگون از جمله تاریخ از همان دوره قاجاریه به فارسی ترجمه و منتشر شده‌اند. تعداد این آثار چندان زیاد نیست، اما نشان از فعالیت و کوشندگی مترجمان آثار ترکی دارد. این آثار عبارت‌اند از:

معارف در عثمانی و یک درس عبرت برای ایرانیان به همت حسین کاظم‌زاده ایرانشهر، از گرداندگان روزنامه *کاوه*، نوشته شده است. مطالب این کتاب، که رساله‌ای است، از سال‌نامه‌ها و مقررات وزارت معارف عثمانی ترجمه شده است. مؤلف در این کتاب قصد داشته است که موفقیت‌های عثمانی در تنظیم و گسترش معارف جدید، یا همان آموزش و پرورش، را برای ایرانیان تشریح و آن‌ها را به الگوبرداری از عثمانی ترغیب کند.

تاریخ حمیدی را علی‌قلی خان گردآوری و ترجمه کرده است، او در دربار ناصرالدین شاه وزیر داخله مطبوعه دولتی بود. این کتاب تکنگاری‌ای درباره سلطان عبدالحمید و تاریخ دولت عثمانی در عهد عبدالحمید است.

پس از برافتادن حکومت قاجار، در عصر پهلوی فعالیت چشم‌گیری برای ترجمه آثار تاریخی از ترکی به فارسی صورت نگرفت و راهی را که امثال اعتمادالسلطنه گشوده بودند دوام پیدا نکرد. از علل آن نخست، شاید گسترش مناسبات ناشی از ارتباط مستقیم و بی‌واسطه ایران و غرب باشد که دیگر نیازی به کشورهای منزل‌گاهی مانند عثمانی نبود؛ و دیگری تغییر و تطور زبان ترکی عثمانی و ظهور زبان جدید ترکی استانبولی بود که تاحدودی با زبان ترکی عثمانی و آذربایجانی تفاوت داشت و نحو و واژگانش عموماً از ریشه ترکی جغتایی و دیگر لهجه‌های ترکی شرقی مشتق شده بود و برای ایرانیان زبانی نامأنوس و ناآشنا بود. به این علت و علل مشابه ایرانیان ترجیح می‌دادند اطلاعات مورد نیاز خود درباره تاریخ عثمانی را از طریق ترجمه منابع غربی، به‌ویژه انگلیسی و فرانسه، کسب کنند، مانند: *تاریخ امپراتوری عثمانی* از وین ووسینیچ و *جمهوری ترکیه* به قلم ریچارد داوید رابینسون.

طی یکی دو دهه اخیر اقبال و علاقه به ترجمه آثار تاریخی، اعم از منابع و آثار تحقیقی، به‌ویژه در میان نسل جدید دانشگاهی، فزونی گرفته است. طی این مدت آثار چندی به فارسی ترجمه شده است که خوشبختانه این روند سیر صعودی دارد. از جمله این آثار می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: *تاریخ دولت خوارزمشاهیان* نوشته ابراهیم قفس اوغلو، استاد فقید دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول و رئیس کرسی تاریخ عمومی ترک، اثر تحقیقی خوب و ماندگاری درباره خوارزمشاهیان است؛ *تاریخ عثمانی* به قلم اسماعیل حقی اوزون چارشی‌لی است و تاکنون ۴ جلد از این تألیف مفصل را ایرج نوبخت و وهاب‌ولی به فارسی ترجمه کرده‌اند (البته تاکنون همه ترجمه‌های وهاب‌ولی چاپ نشده است). اوزون چارشی‌لی استاد تاریخ دانشگاه استانبول و از مؤسسان و اعضای برجسته بنیاد تاریخ ترک بود. این بنیاد به فرمان آتاتورک برای تحقیق درباره تاریخ ترکان تأسیس شد. صلاحیت علمی نویسنده و استفاده از منابع داخلی و خارجی به این اثر جایگاه والایی بخشیده است، البته اوزون چارشی‌لی قبل از تألیف این اثر عظیم مدخلی با عنوان «مدخلی بر تاریخ عثمانی» بر آن نوشت که کاش این مدخل هم به‌سبب احتوا بر جامعیت و بینش علمی آن به‌همراه اصل اثر به فارسی ترجمه می‌شد. جز این کتاب از اوزون چارشی‌لی آثار متعدد دیگری به چاپ رسیده است از جمله: *تشکیلات کانون قاپی‌قولی*، *تشکیلات دربار عثمانی*، *بحریه دولت عثمانی*، و *امرای مکه*. هم‌چنین مقالات ارزنده‌ای در ترجمه ترکی *انسیکلوپدی اسلامی (Islam Ansiklopedisi)* از او منتشر شده است (اوزون چارشی‌لی، ۱۳۶۸).

از میان محققان معاصر ترک فاروق سومر از دیگر مورخان ترک اقبال بلندتری داشته است، زیرا آثار بیش‌تری از او به فارسی برگردانده شده است از جمله: *اغوزها، قراقویونلوها* و مهم‌تر از این دو نقش *ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی*. فاروق سومر در این کتاب ملی‌بودن دولت صفوی و سیادت تشیع صفویان را مردود دانسته است. او حکومت صفوی را دنباله حکومت ترکان و سازمان‌های اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی این دولت را دنباله سنت‌های ترکان آناتولی و جغتایی می‌داند (سومر، ۱۳۷۱: ۴). دیدگاه‌های فاروق سومر در این مورد درخور بحث و تأمل است.

خاطرات سلطان عبدالحمید دوم تک‌نگاری‌ای منحصربه‌فرد درباره عبدالحمید دوم، سلطان نامور عثمانی، است. در ارزش و اهمیت این کتاب همین بس که تاکنون ۲۲ بار در ترکیه تجدید چاپ شده است. نویسنده کتاب عصمت بوزداغ، از محققان و مورخان برجسته ترکیه، است که تک‌نگاری‌های دیگری هم از شخصیت‌های سیاسی ترکیه در کارنامه خود دارد که بارها در ترکیه تجدید چاپ شده‌اند، که *علنان مندرس و جلال بابار* را می‌توان نام برد.

تاریخ عثمان پاشا اثر ابوبکر بن عبدالله شرح یورش عثمانی به قفقاز و آذربایجان و تصرف تبریز به سال ۹۸۶-۹۹۳ق در عهد محمد خدابنده است. این کتاب از سه متن تاریخی تشکیل شده است: متن اول که عنوان کتاب را هم دارد تاریخ عثمان پاشا است، متن دوم نامه‌ای است که عوض افندی به عثمان پاشا نوشته و شماری از وقایع را شرح داده است، متن سوم به قلم شاعر و مورخی به نام ابراهیم رحیمی‌زاده چاوش است که مربوط به وقایع همین عهد است.

در زمینه طریقت‌ها و فرقه‌های صوفیانه تألیف محققانه احمد یاشار اوجاق، استاد تاریخ دانشگاه حاجت تپه آنکارا، درخور ذکر است. کتاب او با عنوان *علویان و بکتاشیان آناتولی* پژوهشی عالمانه در تاریخ جامعه علویان آناتولی و پیوند آن‌ها با طریقت بکتاشی است.

واپسین کتابی که به فارسی ترجمه شده است جلد اول کتاب پیراج و محققانه خلیل اینالجیق با عنوان *امپراتوری عثمانی عصر متقدم ۱۳۰۰-۱۶۰۰* است. خلیل اینالجیق استاد مسلم تاریخ عثمانی، مسلط به زبان‌های شرقی و غربی، و آگاه به اسناد و کتاب‌شناسی تاریخ عثمانی است. جلد نخست این کتاب تاریخ اجتماعی - اقتصادی امپراتوری عثمانی از آغاز تا سال ۱۶۰۰ و جلد دوم از سال ۱۶۰۰ تا فروپاشی امپراتوری عثمانی است. مترجم این کتاب را از روی نسخه انگلیسی آن به فارسی ترجمه کرده است که در سال ۱۹۹۷ به قلم مؤلف از

ترکی به انگلیسی برگردانده شده و انتشارات دانشگاه کمبریج آن را چاپ کرده است. امید است هرچه زودتر جلد دوم آن هم ترجمه شود.

منابع پیشنهادی برای ترجمه

چنان‌که اشاره شد حوزه مطالعات عثمانی، به‌رغم اهمیت وافر آن در شناخت تاریخ ایران و منطقه، غنای چندانی ندارد. بخشی از این نقصان از ناآشنایی با منابع اولیه و اصلی آن نشئت می‌گیرد و تا منابع اصلی تاریخ عثمانی بازشناخته نشود، امکان بهره‌گیری از آن‌ها در تتبعات تاریخی و بالاخص تحقیق درباره روابط طولانی مدت ایران و عثمانی مقدور نخواهد بود. بنابراین با توجه به چنین ضرورتی منابع مربوط به دوره قاجار برای ترجمه معرفی می‌شود. گفتنی است ملاک انتخاب این آثار در درجه اول اهمیت آن‌ها از دیدگاه تاریخ‌نگاری روابط ایران و عثمانی و احتیوای حداکثری آن‌ها بر اخبار و اطلاعات درباره ایران است. در ذیل این منابع معرفی می‌شوند:

الف) منابع آرشیوی

آرشیو عثمانی در استانبول از غنی‌ترین آرشیوهای مربوط به مناسبات ایران و عثمانی و کلاً تاریخ معاصر ایران است. آرشیو عثمانی، که از ادغام چندین آرشیو بزرگ تشکیل شده است، برای پژوهش‌گران تاریخ ایران در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بسیار غنی و پربار است. این آرشیو حاوی ده‌ها هزار برگ سند مربوط به ایران و دفترهای متنوعی نظیر «دفتر احکام ایران» (Iran Ahkam Defterleri) و «دفتر دول بیگانه» (Düvel Ecnebiye Defterleri) است که هریک حاوی اطلاعات فراوانی است. تاکنون کوشش‌هایی برای گزینش و نشر برخی از اسناد به فارسی انجام شده است از جمله: *اسناد و مکاتبات تاریخی از عبدالحسین نوایی یا اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، قاجاریه* در ۴ جلد از محمدرضا نصیری که در جای خود ارزنده و درخور تحسین است؛ اما با توجه به غنای فوق‌العاده آرشیو عثمانی این اسناد و مدارک در حکم قطره‌ای از دریا هستند. آنچه به‌نظر نگارنده در تاریخ‌نگاری ایران و عثمانی، به‌رغم اسناد و دفاتر متعدد، توجه کمی به آن شده است، مبحث روابط اقتصادی ایران و عثمانی است؛ زیرا تراز تجاری ایران تنها با عثمانی همواره به‌نفع ایران مثبت بود. اسناد این ارتباطات به‌شکلی منظم در آرشیو عثمانی طبقه‌بندی شده است، زیرا همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد عثمانی‌ها آرشیو کارآمد و دقیقی دارند. شایسته است اسناد مذکور گزینش و

طبقه‌بندی علمی شود و به صورت مجموعه سندی به فارسی ترجمه شود تا اسباب تاریخ‌نگاری روابط ایران و عثمانی متنوع‌تر و پرمایه‌تر شود.

ب) سفارت‌نامه‌ها

در دوره قاجاریه هیئت‌های سفارتی بسیاری از عثمانی به ایران آمدند. این نمایندگان عموماً از میان صاحبان علم و ادب انتخاب می‌شدند و ملاحظاتی مأموریت خود را با نام سفارت‌نامه و در قالب رساله می‌نگاشتند. مهم‌ترین سفارت‌نامه‌های این دوره *سفارت‌نامه‌ی محمد رفیع افندی*، *سفیر عثمانی در ایران در فاصله سال‌های ۱۸۰۷-۱۸۰۸*، است. نمونه دیگر *سفارت‌نامه مصور ایران* از عثمان شاکر افندی است که در سال ۱۸۱۰ نوشته شده است. شاکر افندی در مقام مترجم همراه عبدالوهاب یاسینجی‌زاده افندی (سفیر) به ایران آمده بود، سفارت‌نامه مذکور دستاورد این سفر است.

پ) وقایع‌نامه‌های عثمانی

در وقایع‌نامه‌های اواخر قرن هجدهم و نوزدهم عثمانی به اقتضای حوادث فی‌مابین دولت‌های ایران و عثمانی به وقایع ایران نیز پرداخته شده است. در این وقایع‌نامه‌ها در خصوص ایران بعضاً اطلاعات و تفاسیری است که در برخی مواقع درخور درنگ و توجه است. در این‌جا برای مثال به وقایع‌نامه اسد افندی موسوم به *تاریخ اسد افندی* اشاره می‌شود. در این وقایع‌نامه، که شامل وقایع سال‌های ۱۲۳۷-۱۲۴۱ ق/ ۱۸۲۱-۱۸۲۶ است، بیش از ۱۰۰ مورد از ایران نام برده شده است و حاوی مطالبی است که بعضاً تفسیری بدیع از چگونگی روابط ایران و عثمانی است. در این وقایع‌نامه موضوعاتی چون مردم، حجاج، مأموران مرزی، تجار، ولیعهد ایران، شاهزادگان ایرانی در قلمرو عثمانی، سفیر و کاردار، قبایل و عشایر، و زائران ایرانی مشاهده می‌شود. دیگر وقایع‌نامه‌های مهم از جهت اشمال بر حوادث ایران عبارت‌اند از: *تاریخ جودت اثر احمد جودت پاشا، تاریخ لطفی* به قلم احمد لطفی افندی، *تاریخ از عطاءالله شانی‌زاده، تاریخ انوری* از سعداله انوری، *تاریخ نوری* از خلیل نوری، و *تاریخ ادیب* نوشته محمدامین ادیب.

همه این وقایع‌نامه‌ها در دوره عثمانی در مطبعه عامره عثمانی در استانبول به چاپ رسیده‌اند و محققان ترک در عصر جمهوری این آثار را به همراه مقدمه و تعلیقات با الفبای لاتین بارها به چاپ رسانده‌اند. نکته جالب در مورد این وقایع‌نامه‌ها آن است که به سبب

استفاده نویسندگان آنها از آرشیوها و مدارک دولتی نوعی شباهت و یکسانی در اسناد آرشیوی و اطلاعات وقایع نامه‌ها مشاهده می‌شود.

ت) تحقیقات

تحقیقات برجسته محققان ترک به سبب تتبع فراوان در منابع متنوع عثمانی و برخورداری از روش مندی پژوهشی در زمره پژوهش‌های شاخص محسوب می‌شود. از این مجموعه می‌توان به تحقیقات ذیل اشاره کرد و آنها را برای ترجمه پیشنهاد کرد:

– *Osmanli Tarihi* یا تاریخ عثمانی در ۴ جلد، پژوهشی محققانه به خامه انور ضیا کارال.
– *Political and Social Thought in Ottoman Empire* یا اندیشه سیاسی – اجتماعی در عثمانی به قلم کمال کارپات.

– *Religin and Social Change in Modern Turkey* یا مذهب و تغییر اجتماعی در ترکیه جدید از شریف ماردین.

– *Türkiye’de Geri kalmışlığın Tarihi* یا تاریخ عقب‌ماندگی در ترکیه نوشته اسماعیل جم.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب و مباحث مطرح شده می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱. آزادسازی تاریخ از گذشته (احراز حداکثری داده‌های تاریخی) منوط به تنوع و کثرت شواهد تاریخی، به‌ویژه شواهد غیرارادی، است.

۲. برخی از نوآوری‌های پژوهش‌گران بازتابی از منابع تازه‌یاب است که امکان پژوهش در زمینه‌های ناشناخته یا تعمق دامنه موضوعات تاریخی را برای پژوهش‌گر فراهم می‌سازد.

۳. سنجش تطبیقی منابع داخلی و خارجی علاوه بر این که پژوهش‌گر را از روش‌های تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری منابع خارجی آگاه می‌کند، او را از گرفتارشدن در دام تعصب و یک‌سونگری باز می‌دارد.

۴. در عصر متقدم عثمانی که تابش فرهنگی – تمدنی ایران‌زمین بر این امپراتوری پرفروغ‌تر بود، عمدتاً آثار فارسی به ترکی ترجمه می‌شد.

۵. تماس و آشنایی زود هنگام امپراتوری عثمانی با دستاوردهای تمدن غرب، در مقایسه

با ایران، باعث شد که عثمانی به منزل‌گاه تجدد ایرانیان تبدیل شود و قاعدتاً جریان ترجمه از فارسی - ترکی به ترکی - فارسی تغییر جهت داد.

۶. گستره وسیع ممالک عثمانی، حضور سفرا و هیئت‌های سیاسی - تجاری، اندیشمندان، نمایندگان صنایع و تجارت اروپا به‌ویژه در استانبول، تجارب اصلاح‌گران عثمانی، نزدیکی زبانی و دینی، و اقامت دیرپای طیف‌های گوناگون ایرانیان در استانبول، امپراتوری عثمانی را به منزل‌گاه تجدد و دستاوردهای غربی برای ممالک اسلامی، از جمله متجددان ایرانی، مبدل کرده بود.

۷. ترجمه متون ترکی عثمانی به فارسی با تأسیس دارالترجمه ناصری و استخدام مترجمان پرکار و میرزی مانند محمد عارف افندی قوت گرفت، بی‌شک حمایت‌ها و تلاش‌های اعتمادالسلطنه در این راه بسیار مؤثر بود.

۸. پس از برافتادن قاجاریه، که دوره پرجنب‌وجوش ترجمه از ترکی عثمانی است، در دوره پهلوی فعالیت چشم‌گیری در این خصوص انجام نشد؛ چراکه ترکیه، بازمانده عثمانی، خاصیت منزل‌گاهی خود را برای ایرانیان از دست داد و ارتباط ایران با غرب مستقیم و بی‌واسطه شد. دیگر این‌که زبان جدید ترکی استانبولی، که در پی اصلاحات آتاتورک از دل ترکی عثمانی سر برآورد، دیگر مانند گذشته برای ایرانیان مأنوس و مألوف نبود. این عوامل باعث شد ایرانیان اطلاعات مورد نیاز خود درباره تاریخ عثمانی را از طریق ترجمه منابع غربی، به‌ویژه انگلیسی و فرانسه، کسب کنند.

۹. طی یکی دو دهه اخیر با گسترش ارتباطات سیاسی - فرهنگی و اقتصادی بین ایران و ترکیه در میان نسل جدید دانشگاهی علاقه و اقبال فراوانی برای ترجمه آثار ترکی اعم از عثمانی و استانبولی پدید آمده است که این امر تاکنون به ترجمه آثار چندی از زبان ترکی به فارسی منجر شده است.

راه‌کارها

۱. برگزاری نمایشگاه مشترک کتاب در سطح دانشگاه‌های ایران و ترکیه به‌همراه بخش‌های جنبی برای آشنایی بیش‌تر با آثار و تحقیقات پژوهش‌گران ایران و ترک. این نمایشگاه می‌تواند با جلب مشارکت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و بنیاد تاریخ ترک برگزار شود.

۲. راه‌اندازی بانک نسخ خطی ترکی عثمانی و نمایه‌سازی آن‌ها به‌صورت پایگاه داده.

این بانک با بهره‌گیری از منابع کتاب‌خانه‌های داخلی و کتاب‌خانه‌های ترکیه و از طریق مبادله و خرید و در چهارچوب امضای تفاهم‌نامه‌های فرهنگی بین نهادهای فرهنگی دو کشور محقق خواهد شد.

۳. تعریف مجموعه منشورهایی با عنوان «مجموعه تاریخی ایران و عثمانی» در دو بخش احیا - تصحیح و انتشار نسخ خطی، به‌منزله مواد خام پژوهش و انتشار تحقیقات.
۴. برگزاری دوره‌های آموزش زبان ترکی عثمانی از سوی انجمن تاریخ برای آشنایی هرچه بیش‌تر محققان ایرانی با این زبان.
۵. برگزاری کارگاه‌های نسخه‌شناسی و سندشناسی عثمانی.
۶. تدوین کتاب‌شناسی ایران و عثمانی.

منابع

- ابوبکر بن عبدالله (۱۳۸۸). *تاریخ عثمان پاشا*، به کوشش یونس زیرک، ترجمه نصرالله صالحی، تهران: طهوری.
- ادیب، محمدمامین (۱۳۱۳ ق). *تاریخ ادیب*، استانبول: مطبعه عامره.
- آرین‌پور، یحیی (۱۳۵۵). *از صبا تا نیما*، تهران: زوار.
- اسپناچی پاشازاده، محمد عارف خان (ش ۳۹ / ۹۴۵۱). *قتل خوارج کوه لبنان به دست سلطان سلیم عثمانی*، کتابخانه مجلس.
- اسپناچی پاشازاده، محمد عارف خان (۱۳۶۹). *جغرافیای عالم اسلام*، به کوشش صدیقه سلطانی‌فر، تهران: جهاد دانشگاهی.
- اسپناچی پاشازاده، محمد عارف خان (۱۳۷۹). *انقلاب الاسلام بین الخواص والعوام*، به اهتمام رسول جعفریان، قم: دلیل.
- اسپناچی پاشازاده، محمد عارف خان (ش ۳۳۲۹۰). *انتقاد و قانون‌نامه انحصار دخانیات ممالک عثمانیه*، کتابخانه مجلس.
- اسپناچی پاشازاده، محمد عارف خان (ش ۱۳ / ۹۴۵۲). *لایحه در مناسبات تجاری ایران با ممالک خارجه در باب اقتصاد و سیاست*، کتابخانه مجلس.
- اسپناچی پاشازاده، محمد عارف خان (ش ۴۰ / ۹۴۵۲). *قانون‌نامه قوه حریبه*، کتابخانه مجلس.
- اسپناچی پاشازاده، محمد عارف خان (ش ۱۵۷۵۱). *سفرنامه ایران*، اصفهان: کتابخانه عمومی ابن مسکویه.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۴). *درآمدی بر تاریخ پژوهی*، ترجمه مسعود صادقی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، سمت.
- اسد افندی (۱۳۱۱ ق). *تاریخ اسد افندی*، استانبول: مطبعه عامره.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳). *المآثر و الآثار*، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- افشار، محمود خان (۱۳۰۲ ق: ش ۳۲۲۵). *تاریخ سلاطین عثمانی*، کتابخانه مجلس.

۱۸ ضرورت‌ها و راه‌کارهای ترجمه متون تاریخی عثمانی به فارسی

- امتیازنامه راه آهن، امتیازنامه و قانون‌نامه بانک عثمانی (ش ۲۹۰۷۷۷). کتابخانه مجلس.
- انوری، سعداله (۱۳۱۹ق). تاریخ انوری، استانبول: مطبعه عامره.
- اوزون چارشی‌لی، اسماعیل حقی (۱۳۸۰). تاریخ عثمانی، ترجمه وهاب ولی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اوزون چارشی‌لی، اسماعیل حقی (۱۳۳۸). تاریخ عثمانی، ترجمه ایرج نوبخت، ۴ جلد، تهران: مؤسسه کیهان.
- اینالچیق، خلیل (۱۳۸۸). امپراتوری عثمانی عصر متقدم ۱۳۰۰-۱۶۰۰، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران: بصیرت.
- بهار، محمدتقی (ملک‌الشعرا) (۱۳۴۹). سبک‌شناسی، تهران: پرستو.
- بوزداغ، عصمت (۱۳۷۷). خاطرات سلطان عبدالحمید دوم، ترجمه داود وفایی و حجت‌اله جودکی، تهران: مرکز فرهنگی نشر قبله.
- تاریخ جنگ روس و عثمانی (۱۳۱۱ق: ش ۱۰۸۹۳). استنساخ از عبدالکریم بن میرزا محمدعلی گیلانی، ۲ جلد، کتابخانه مجلس.
- جودت پاشا، احمد (۱۳۰۹ق). تاریخ جودت، ۱۲ جلد، استانبول: مطبعه عامره.
- جوینی، علاءالدین عظاملک محمد (۱۳۸۵). تاریخ جهانگشا، به تصحیح محمد قزوینی، ویراستار عزیزالله علیزاده، تهران: فردوس.
- خیرالله افندی (۱۲۹۲ق). دولت علییه و سلطنت سنیّه عثمانیه تاریخی، ۳ جلد، استانبول: بی‌نا.
- خیرالله افندی (ش ۲۲۸۰). تاریخ سلاطین عثمانی، ترجمه محمدحسین خوبی، کتابخانه مجلس.
- ذهنی افندی، محمد (۱۳۰۴-۱۳۰۷ق). خیرات حسان، ترجمه محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، ۳ جلد، تهران: بی‌نا.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۸۲). ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، تهران: مینا.
- رابینسون، ریچارد داوید (۱۳۵۶). جمهوری ترکیه، ترجمه ایرج امینی، تهران: فرانکلین.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۶۹). زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، تهران: پازنگ.
- ساروی، محمد بن محمدتقی (۱۳۷۱). تاریخ حمای، به اهتمام غلامرضا مجد، تهران: امیرکبیر.
- سلطان‌نامه در تاریخ جنگ روم و روس (۱۳۰۴ق: ش ۱۷۳۳). به اهتمام ملک‌الکتاب، کتابخانه مجلس.
- سومر، فاروق (۱۳۶۹). قراقویونلوها، ترجمه وهاب ولی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سومر، فاروق (۱۳۷۱). نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی، ترجمه احسان اشراقی و محمدتقی امامی، تهران: گستره.
- سومر، فاروق (۱۳۸۱). اغوزها، ترکمن‌ها، ترجمه آناردی عنصری، تهران: گرگان.
- شانی‌زاده، عطاءالله (۱۳۲۴ق). تاریخ، ۴ جلد، استانبول: مطبعه عامره.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۲). سقوط اصفهان به روایت کروسینسکی، تهران: نگاه معاصر.
- عابدی، طالب (۱۳۷۷). «تأثیر استانبول بر حرکت‌های دولت‌مردان و آزادی‌خواهان ایرانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- علی‌قلی خان (۱۳۲۷ق). تاریخ حمیای، تهران: مطبعه مبارکه شاهنشاهی.
- فرید بیگ، محمد (۱۳۳۲ق: ش ۱۰۷۷۷). احسن‌التواریخ، ترجمه علی بن عبدالباقی مستوفی، کتابخانه مجلس.

- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس (۱۳۷۸). به کوشش عبدالحسین حائری، ج ۱۰، تهران: کتابخانه مجلس.
- قزوینی، محمد (۱۳۲۷). «وفیات معاصرین»، یادگار، س ۵، ش ۳.
- قفس اوغلو، ابراهیم (۱۳۶۷). *تاریخ دولت خوارزمشاهیان*، ترجمه داود اصفهانیان، تهران: گستره.
- کاظم‌زاده ایرانشهر، حسین (۱۳۰۳). *معارف در عثمانی و یک درس عبرت برای ایرانیان*، برلین: چاپخانه ایرانشهر.
- کروسینسکی، یوداس تادئوس (۱۳۷۰). *عبرت‌نامه یا بصیرت‌نامه، یادداشت‌های کشیش لهستانی عصر صفوی (۱۷۰۷-۱۷۲۵)*، ترجمه عبدالرزاق بیگ دنبلی، به کوشش یدالله قانلی، تهران: آناهیتا.
- لطفی افندی، احمد (۱۳۱۰ ق). *تاریخ لطفی*، جلد ۱۴، استانبول: مطبعه عامره.
- محمد کاظم (ش ۲۰۹۱). *منشآت در تاریخچه اوضاع دربار عثمانی و پیرشانی بیچری‌ها*، سلیمانیه: کتابخانه سلیمانیه، بخش اسد افندی.
- محمد عاطف بیگ (۱۳۰۴ ق: ش ۱۵۷۲۷). *تاریخ کاشغر*، ترجمه محمد عارف منشی، اصفهان: کتابخانه عمومی ابن مسکویه.
- مدحت افندی، احمد (ش ۱۱۴۷۶). *جغرافیای خارطوم و سودان*، ترجمه محمد عارف منشی، اصفهان: کتابخانه عمومی ابن مسکویه.
- مشار، خانابا (۱۳۵۰). *فهرست کتاب‌های چاپی فارسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مقصود، جواد (۱۳۴۹). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی اصفهان*، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- مکالا، سی بی یین (۱۳۸۷). *بنیادهای علم تاریخ، چپستی و اعتبار شناخت تاریخی*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- نصیری، محمدرضا (۱۳۶۶). *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، قاجاریه*، تهران: کیهان.
- نوابی، عبدالحسین (۱۳۵۰). *اسناد و مکاتبات تاریخی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- نوری، خلیل (۱۳۲۱ ق). *تاریخ نوری*، استانبول: مطبعه عامره.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۸۶). *جامع‌التواریخ*، به تصحیح محمد روشن، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- ووسینیچ، وین (۱۳۴۶). *تاریخ امپراتوری عثمانی*، ترجمه سهیل آذری، تهران: فرانکلین.
- یاشار اوجاق، احمد (۱۳۸۴). *علویان و بکتاشیان آناتولی*، ترجمه محمدتقی امامی، تهران: فرهنگ.
- Arif Efendi, Mehmet. *Ispınakçı Paşazade: İtlaat-e Fenniye*, Ali Emiri Efendi (Millet KTP), No 819.
- Arif Efendi, Mehmet. *Ispınakçı paşazade: Karaçılar Tarihi*, Ali Emiri Efendi (Millet KTP), No 824.
- Arif Efendi, Mehmet. *Merkat'ul Zaman Fi Ahvale Selatin-e Osman*, Ali Emiri Efendi (Millet KTP), No 823/1.
- Bozdağ, İsmet (2005). *Bilinmeyen Yönleriyle Celal Bayar*, Ankara: Emre Yayınları.
- Bozdağ, İsmet (2008). *Darağacında Bir Başbakan Menderes*, Ankara: Truva Yayınları.
- Cem, İsmail (1975). *Türkiye'de Geri Kalmışlığın Tarihi*, 5ci baskı, İstanbul: Cem Yayın Evi.
- Firman-e Golhane*. Ali Amiri Efendi (Millet KTP), No 823/1.

- Karpat, Kemal (1995). *Political and Social Thought in Ottoman Empire*, Wisconsin: Praeger Press.
- Mardin, Şerif (1989). *Religion and Social Change in Modern Turkey*, New York: State University of New York Press.
- Özkan, Mustafa (2003). *Çözümlemeli Osmanlı Türkçesi Metinleri*, Ankara: Çağrı Yayınları.
- Refi Efendi, Mehmet (1807-1808). *Sifaretname*, Ali Emiri Efendi (Millet KTP), No 823/1.
- Şakir Efendi, Osman (1810). *Musever İran Sefaretnamesi*, Ali Emiri Efendi (Millet KTP), No 822.
- Uzunçarşılı, İsmail Hakkı (1964). *Osmanlı Devletinin Merkez ve Bahriye Teşkilâtı*, Ankara: Türk Tarih Kurumu Yayınları.
- Uzunçarşılı, İsmail Hakkı (1976). *Osmanlı Devleti Teşkilâtında Kapukulu Ocakları, Acemi Ocağı ve Yeniçeri Ocağı*, Cilt. 1, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Uzunçarşılı, İsmail Hakkı (1985). *Mekke-i Mükerrreme Emîrleri*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Uzunçarşılı, İsmail Hakkı (1988). *Osmanlı Devleti Saray Teşkilatı*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Ziya karal, Enver (2002). *Osmanlı Tarihi*, 4 Cild, Ankara: Türk Tarih Kurumu.

Archive of SID